

کتاب زندگی انسان و چند نکته



- عنوان: تاریخ تمدن جهان (یا داستان زندگی انسان)
- جلد: ۱۷
- مؤلف: محمود حکیمی
- ناشر: شرکت سهامی انتشار
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۹۲ صفحه
- بها: ۷۵۰ تومان

● علی معصومی

«تاریخ تمدن جهان یا داستان زندگی انسان» مجموعه‌ای است که جلد هفدهم آن نیز چاپ شده و در دسترس نوجوانان و جوانان قرار گرفته است.

جلد حاضر، شش فصل و یک ضمیمه دارد که در ۱۹۲ صفحه تدوین شده است. در این جلد سعی شد دست حوادث سیاسی (و گاه اجتماعی) ایران از زمان سقوط محمدعلی شاه تا پایان حکومت رضاخان، بررسی و بازگو شود. در پایان هر فصل نیز خواننده با سؤال‌هایی برخورد می‌کند که نویسنده آن‌ها را طرح کرده است تا خواننده رابه نکات مورد نظر توجه دهد.

گرچه کتاب در نوع خود ارزشمند است و می‌تواند به بخشی از نیازهای نوجوانان و جوانان درباره تاریخ معاصر پاسخ گوید، ولی نارسایی‌ها و نواقصی هم دارد که اگر چنین نبوده، کار نویسنده محترم بیشتر قابل ستایش بود. اکنون ضمن ارج نهادن به تلاش مؤلف در جهت افزایش دانش تاریخی نوجوانان و جوانان، به نارسایی‌های قابل ذکر کتاب مذکور نگاهی می‌افکنیم.

تاریخ تمدن، تنها تاریخ سیاسی نیست

وقتی جلد هفدهم مجموعه «تاریخ تمدن جهان» نوشته محمود حکیمی را در دست می‌گیریم و به روی جلد آن نگاه می‌کنیم، هیچ موضوع غیرعادی توجه ما را جلب نمی‌کند اما هنگامی که جلد را ورق می‌زنیم و ورق بعد از جلد را نگاه می‌کنیم کمی شگفت زده می‌شویم؛ زیرا می‌بینیم نام کتاب اندکی تغییر کرده است. یعنی این که روی جلد، عنوان «تاریخ تمدن جهان یا داستان زندگی انسان» را می‌بینیم، ولی در صفحه دوم و سوم، واژه «جهان» حذف شده و نام کتاب به «تاریخ تمدن یا داستان زندگی انسان» تغییر یافته است. تعجب خواننده زمانی بیشتر می‌شود که صفحات بعدی کتاب که فهرست مطالب آن است، ورق می‌خورد؛ زیرا در این جلد که مشاهده می‌کنیم که نه از «جهان» خبری است و نه از «تاریخ تمدن» بلکه مجموعه‌ای از حوادث سیاسی ایران در دوره پس از نهضت مشروطه و عصر حاکمیت رضاخان است!

گرچه حوادث سیاسی هم بخشی از داستان زندگی انسان است و در بستری که برای بازگویی تاریخ تمدن باز می‌کنیم باید

از آن بحث کرد، ولی حقیقت این است که اگر بازگو کردن تاریخ تمدن را محدود به حوادث سیاسی و رفتار مجموعه‌ای از اهل حکومت و سیاست بکنیم، قطعاً موضوع را ناقص و نارسا ارائه کرده‌ایم. به عبارت دیگر، عنوان تاریخ تمدن اقتضا می‌کند که جهات و حیثیات مختلف جامعه (هر چند به طور مختصر) مورد بحث واقع شود تا عنوان مذکور (تاریخ تمدن) با متن و آنچه در ذیل عنوان آمده است، تناسب لازم را نشان دهد.

در جلد هفدهم تاریخ تمدن، چنین ویژگی را کمتر می‌یابیم و نویسنده بازگو کردن تاریخ تمدن و داستان زندگی انسان را اغلب در داستان زندگی اهل حکومت و حوادث سیاسی (تاریخ سیاسی) محصور کرده است.

بهرتر بود نویسنده محترم، ذیل عنوان عمومی «تاریخ تمدن جهان» عنوانی فرعی و خاصی را می‌گنجاند و خواننده را با محتوای واقعی جلد هفدهم که تاریخ سیاسی دوره مورد نظر است، آشنا می‌کند. در چنین حالتی، خواننده انتظار خود را با همان عنوان و زیر عنوان روی جلد، تطبیق می‌داد و از محدود شدن عنوان کلی و بزرگ تاریخ تمدن جهان، به بخشی از حوادث سیاسی یک دوره کوتاه از تاریخ ایران، شگفت زده نمی‌شد.

برای پر کردن صفحات کتاب

بیش از یک پنجم صفحات کتاب، یعنی حدود چهل صفحه از این کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای، به ذکر اسامی نمایندگان دوره‌های مختلف مجلس شورای ملی و اعضای هیات دولت در دوره مورد مطالعه نویسنده اختصاص یافته است.

معلوم نیست هدف از درج این فهرست طولانی و اختصاص دادن حجم بالایی از کتاب به این اسامی چه بوده است؟ اگر منظور از این کار، برجسته کردن مباحث مربوط به مجلس و سایر موضوعات مورد نظر بوده است که این هدف، با تحقیق و مطالعه بیشتر و آوردن موضوعات جالب‌تر، قابل تأمین بود و درج این فهرست بلند ضرورت نداشت. حتی مؤلفان کتاب‌های تخصصی و تفصیلی تاریخ نیز چندان نیازی به پر کردن صفحات کتاب با این قبیل موضوعات و اسامی نمی‌بینند.

○

**بهرتر بود نویسنده محترم،
ذیل عنوان عمومی
«تاریخ تمدن جهان»
عنوانی فرعی و خاص را می‌گنجاند و
خواننده را
با محتوای واقعی جلد هفدهم
که تاریخ سیاسی دوره مورد نظر است،
آشنایی کرد**

بهرتر بود نویسنده محترم رعایت حال و هوای مخاطبان نوجوان خود را می‌کرد؛ زیرا این مخاطبان نه چندان نیازی به دیدن چنین فهرست طولانی دارند و نه این که راضی هستند بابت چنین فهرست‌هایی که بدون تردید قیمت کتاب را به طور قابل توجه بالا برده است. هزینه اضافی بپردازند.

در هر حال، ردیف کردن حدود دو هزار اسم از وزیران و وکیلان در یک کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای که مخاطبان نوجوانان هستند، امر متعارف و پسندیدنی نیست و شاید هر کس که به این فهرست بلند نگاهی کند، در همان مرحله اول به نظرش بیاید نویسنده قصد داشته است صفحات کتابش را پر کند و از لاغری آن بکاهد؛ به ویژه هنگامی که خواننده کتاب، اسامی نمایندگان و وزیران دوره‌هایی را که خارج از محدوده زمانی مورد بحث کتاب است، در آن جا می‌بیند، این ظن در او تقویت می‌شود.

لزوم ابتکار

وقتی فهرست عناوین و مطالب کتاب را ورق می‌زنیم، فوراً این نکته به ذهن می‌آید که نویسنده در انتخاب عناوین، ابتکاری به کار نبسته و مجموعه‌ای از عناوین تکراری تاریخ معاصر را فهرست کرده است. بنابراین، حتی در عناوین مطالب نیز ابتکاری

البته، داشتن گرایش سیاسی یک امر طبیعی است و حتی هر نویسنده‌ای می‌تواند درباره گرایش تاریخی و سیاسی خود کتاب هم بنویسد و آن را تبیین کند، ولی هنگامی که در جایگاه تاریخ‌نویس بی‌غرض می‌نشیند و مسائل عمومی تاریخ را مطرح می‌کند، باید عملاً در نوشته‌های خود این اطمینان را به خوانندگانش بدهد که در زمینه ارائه اطلاعات تاریخی غرض خاصی ندارد

تاریخ‌نویسی و روش‌های آن

در برخی از تاریخ‌هایی که ارائه شده‌است، دقت کافی وجود ندارد

تعمیر و تکمیل

شاید ما بتوانیم آینده را حدوداً آن‌طور که می‌خواهیم بسازیم و در شکل‌گیری رویدادها و یا چگونگی پدید آمدن آنها نقش ایفا کنیم، ولی آنچه مسلم است تاریخ بدین گونه نیست و حوادث و رویدادهای آن همان‌هایی است که روی داده است

به عبارت دیگر، تاریخ گذشته، هر چه هست همان‌است که اتفاق افتاده و اراده ما نمی‌تواند در آن نقش داشته باشد. بنابراین اگر ما تاریخ‌نویس بی‌غرض هستیم و «داستان زندگی انسان» را برای نوجوانان و جوانان نقل می‌کنیم، باید همه بخش‌های داستانی را که خود را در صدد نقل آن برآمده‌ایم، صادقانه و همان‌طور که اتفاق افتاده است، نقل کنیم و قضاوت را بعهده خوانندگان بگذاریم. طبیعی است که تاریخ‌نویس حق دارد بعضی از ماجراها و حوادث تاریخ را ننسند و نسبت به آنها احساس منفی داشته باشد، ولی موضوع مذکور این حق را به او نمی‌دهد که وقتی در جایگاه نقل «داستان زندگی انسان» می‌نشیند فقط بخش‌هایی را که می‌پسندد نقل کند. تاریخ‌نویس بی‌غرض کسی است که در نقل حوادث تاریخ خود را ناگزیر ببیند زیرا ناچار است داستانی را که حتی خودش دوست ندارد، با امانت‌داری کامل برای خوانندگانش تعریف کند.

متأسفانه، نویسنده محترم جلد هفدهم «داستان زندگی انسان» از نقل بعضی از حوادث و جریان‌ها که در جای خود مهم و قابل ذکر هستند، خودداری کرده است. به عنوان مثال، وقتی آقای حکیمی از حوادث و جریان‌های پس از پیروزی مشروطیت سخن به میان می‌آورد، از به دار آویخته شدن شیخ فضل‌الله نوری و دیگران که به هر حال از حوادث مهم آن دوره محسوب می‌شود، چیزی نمی‌گوید و بهتر می‌داند چنین موضوعاتی را که بخشی از «داستان زندگی انسان» هست، مطرح نکند. البته آنچه ذکر شد فقط به عنوان نمونه بود؛ زیرا موارد دیگری از همین نوع نارسایی را در جاهای دیگر کتاب نیز می‌توانیم پیدا کنیم. نبرداختن نویسنده به این گونه مطالب، در حالی صورت می‌گیرد که موضوعات کم‌اهمیت‌تری مثل استعفای فلان وزیر و نطق فلان شخص و... با شرح و تفصیل قابل توجه، ذکر شده است.

به هر تقدیر، انتظار این بود که نویسنده محترم، همه حوادث را با یک دید می‌نگریست تا «داستان زندگی انسان» نارسا نشود.

این پسندیده‌تر بود

کسی که در حوزه تاریخ قلم می‌زند و می‌خواهد به خوانندگان آثارش اطلاعات تاریخی بدهد باید به‌خوبی با مسائل و موضوعات تاریخی برخورد کند که کسی گمان نبرد نویسنده به سبب گرایش سیاسی خاصی که دارد، در نگارش وقایع به جانبی بیشتر نظرمی‌کند و نسبت به بعضی موارد نیز به دلیل همان گرایش خاص، توجه چندانی نشان نمی‌دهد. خوانندمی‌آید از این نظر اطمینان خاصی بکنند، زیرا اگر متوجه گرایش سیاسی نویسنده در لابه لای آثار او بشود، بدون تردید با پیش فرض خاصی با مطالب و مسائلی که نویسنده آورده است، برخورد خواهد کرد و همواره این‌دغدغه را که شاید موضوع و مطالب به گونه دیگر هم‌اتفاق افتاده باشند، در ذهن خواهد داشت.

در جلد هفدهم تاریخ‌نویس، به موارد متعددی برمی‌خوریم که گرایش سیاسی روز نویسنده را نشان می‌دهد.

البته داشتن گرایش سیاسی یک امر طبیعی است و حتی هر نویسنده‌ای می‌تواند درباره گرایش تاریخی و سیاسی خود کتاب هم بنویسد و آن را تبیین کند، ولی هنگامی که در جایگاه تاریخ‌نویس بی‌غرض می‌نشیند مسائل عمومی تاریخ را مطرح می‌کند باید عملاً در نوشته‌های خود این اطمینان را به خوانندگانش بدهد که در زمینه ارائه اطلاعات تاریخی غرض خاصی ندارد و نمی‌خواهد گرایش سیاسی خود را در نوشته‌هایش منعکس و یا تبلیغ کند.

اگر نویسنده محترم در لابه لای کتابش موضع‌سیاسی خود را عیان نمی‌کرد که نوعی تبلیغ غیرمستقیم نیز به حساب می‌آید، پسندیده‌تر بود.

همین دلیل است که خواننده درمی‌یابد نویسنده در بعضی موارد حاشیه‌روی می‌کند و از مسیر موزون و طبیعی کتاب خارج می‌شود.

لزوم ارائه اطلاعات دقیق

گرچه لازم است در تمام کتاب‌های تحقیقی اطلاعات ارائه شده دقیق باشد ولی این امر در کتاب‌هایی که برای نوجوانان نوشته می‌شود، از حساسیت بیشتری برخوردار است.

در جلد هفدهم تاریخ‌نویس، در برخی از تاریخ‌هایی که ارائه شده است، دقت کافی وجود ندارد. به عنوان مثال، تاریخی که نویسنده برای روز و ماه بهار آویخته شدن تقه‌الاسلام تبریزی، توسط روس‌ها ذکر کرده چندان دقیق نیست و از این جا معلوم می‌شود که تحقیق دقیقی روی این گونه موضوعات صورت‌نگرفته است.

«داستان زندگی انسان را ناقص نقل نکنیم»

شاید ما بتوانیم آینده را حدوداً آن‌طور که می‌خواهیم بسازیم و در شکل‌گیری رویدادها و یا چگونگی پدید آمدن آنها نقش ایفا کنیم، ولی آنچه مسلم است تاریخ بدین گونه نیست و حوادث و رویدادهای آن همان‌هایی است که روی داده و ما نمی‌توانیم درهای آن‌ها را کم کنیم و یا بر آنها بیفزاییم.

به چشم نمی‌خورد تاجه رسد به این که متن و محتوا به صورتی باشد که بتوان برای آن ویژگی و تمایزی ذکر کرد.

لازمه تالیف کتاب در حوزه تاریخ برای نوجوانان، این است که از ابتکارات شکلی و محتوایی برخوردار باشند تا بتواند خواننده را جذب کند.

بی‌تناسبی چشمگیر

اقتضای بحث درباره «تاریخ تمدن یا داستان زندگی انسان» آن است که به هر بخشی از این داستان به تناسب اهمیت که دارد، پرداخته شود. به تعبیری، سعی شود موضوعات اصلی و فرعی، جایگاه مخصوص به خودشان را حفظ کنند تا به موضوعی، بیش از حد جایگاهش پرداخته نشود و موضوعی نیز در غربت غفلت نشیند.

در جلد هفدهم تاریخ‌نویس، این موضوع تا حدودی به فراموشی سپرده شده است. در این کتاب، به بعضی موضوعات عنایت بیشتری شده و تقریباً جزئیات آن نیز ناگفته نمانده است ولی بعضی موضوعات مشمول این عنایت نشده‌اند.

به همین دلیل، خواننده احساس می‌کند در زمینه چگونگی برخورد با موضوعات، بی‌تناسبی محسوس وجود دارد. و باز به